

هیچ‌یک از اهدافی که می‌خواست نرسید، حتی ساده‌ترین اهداف آمریکا هم در این کشورها که بسیار ضعیف‌تر از آمریکا بودند، عملی نشد. این تجربه نشان می‌دهد که برای اسرائیل هم رسیدن به اهداف راهبردی، تنها با استفاده از زور و توانمندی‌های نظامی کافی نیست، بلکه می‌تواند در طول زمان قدرت، وجهه و مشروعیت اسرائیل را بیش از پیش زیر سوال برد و در نهایت به ضرر غرب و اسرائیل است.
۴ در مورد این صحبت کردید که استفاده صرف از زور و توانمندی نظامی برای بازدارندگی کافی نیست. آیا این موضوع در مورد ایران هم صادق است؟

بازدارندگی ابعاد مختلفی دارد. بازدارندگی نظامی، بازدارندگی اقتصادی و عوامل متعدد در بازدارندگی وجود دارد. وقتی از یک رویارویی نظامی صحبت می‌کنیم، قطعاً بازدارندگی نظامی از بیشترین اولویت بر خوردار است. اما مطمئناً امنیت مردمی، مشروعیت و محبوبیت یک حکومت و وضعیت خوب اقتصادی می‌تواند یک کشور را در موقعیت بهتری برای بازدارندگی قرار دهد. اما در شرایط کنونی ایران با طرف‌هایی مواجه است که خودشان سبب و عامل مشکلات اقتصادی کشور هستند. آمریکا با تشویق اسرائیل سیاست‌های تحریمی علیه ایران در پیش گرفته‌است که عامل بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی ایران است. اما مطمئناً مشروعیت و محبوبیت مردمی یک عنصر بنیادین در بازدارندگی نظامی است. کسانی که دنبال بازدارندگی نظامی هستند باید به این فکر باشند که در مواردی که خطر خارجی وجود دارد باید تمام تلاش‌شان را بر جلب نظر مثبت مردم نسبت به سیاست‌ها و رفتارهای داخلی‌شان موقوف کنند. نباید به هیچ وجه از امر مشروعیت و محبوبیت در بازدارندگی غفلت کرد.

۴ به نقش توانمندی اقتصادی در بازدارندگی اشاره کردید. اساساً چه ارتباطی میان بازدارندگی و تاب‌آوری وجود دارد؟
اینکه یک طرف تا چه اندازه بتواند فشار را تحمل کند، خودش بخشی از تعریف بازدارندگی است. فشارهای اقتصادی، امنیتی و نظامی در نهایت می‌تواند برای یک مقابله امنیتی تعیین‌کننده باشند. یکی از استراتژی‌های بازدارندگی ایران نسبت به اسرائیل این است که اسرائیل را تحت فشار طولانی مدت و فرسایشی قرار بدهد تا بتواند در درازمدت اسرائیل را فرسوده کند و قدرت اسرائیل را از بین ببرد. در یازده ماه گذشته اسرائیل ضربات متعدد امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی دریافت کرده‌است و در برابر ایران در یازده ماه گذشته هزینه آنچنانی برای سیاست‌های منطقه‌ای‌اش پرداخت نکرده‌است. ترور شدن چند نفر به هیچ وجه ضربات راهبردی محسوب نمی‌شود، بلکه ضرب‌های تاکتیکی امنیتی هستند، اما به صورت راهبردی تعیین‌کننده نتایج روردری نیستند. ایران تا به حال دست‌کم در سه دهه گذشته حمله مستقیم نظامی از سوی کشور خارجی تحمل نکرده‌است، چه از سوی اسرائیل و چه از سوی آمریکا. این می‌تواند یک دستاورد مثبت در مقوله بازدارندگی در طولانی مدت محسوب شود. ایران تاوان مالی فوق‌العاده‌ای هم در ۱۱ ماه گذشته پرداخت نکرده‌است، تحریم‌های ایران مربوط به قبل از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ است و لاقبل در چار چوب جنگ غزه، ایران متحمل تشدید فشار اقتصادی نشده‌است. حتی شاید بتوان گفت که به‌رغم تحریم‌ها ایران با بالاتر رفتن قیمت نفت، ممکن است به لحاظ اقتصادی از تنش در منطقه اندکی هم انتفاع اقتصادی ببرد. تصور من این است که این اسرائیل است که هزینه‌های گزافی می‌دهد و البته بزرگ‌ترین هزینه اسرائیل از بین رفتن مشروعیت سیاسی و اخلاقی، تضعیف حیثیت بین‌المللی و متهم شدن به جنایت جنگی، نسل‌کشی، آوارتاید و اشغال‌گری است. تمام این مسائل در یازده ماه گذشته به صورت رسمی علیه اسرائیل مطرح شده‌است و در دادگاه‌های بین‌المللی و سازمان ملل متحد مطرح شده و در حال رسیدگی است. اینها ضرباتی نیست که یک هويت سیاسي به راحتی بتواند از آنها در کوتاه‌مدت خلاصی پیدا کند. جدای از اینها هزینه‌های هنگفت نظامی باعث شده‌است که به اقتصاد اسرائیل هم ضربات زیادی وارد شود. اسرائیل منابع نامحدودی در اختیار ندارد و نهایتاً مجبور است که از ذخایرش هزینه کند و در درازمدت نمی‌تواند چنین ضرباتی را تحمل کند و در نهایت قدرت‌ش تحلیل می‌رود و مجبور می‌شود که در عملکردش تجدینظر کند. چراکه هنوز اسرائیل یک راهبرد مشخص برای خروج از این جنگ نشان نداده‌است و نهایتاً با توجه به هزینه‌های غیرقابل‌تحملی که پرداخت می‌کند، مجبور است برای حفظ موجودیتش استراتژی مشخصی را تنظیم کند که بتواند از این جنگ به هر نحوی خارج شود.



امیر رضائی پناه

مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد مسائل اسرائیل

عرصه دیپلماسی جهانی را به دو سطح کلی دیپلماسی سنتی و دیپلماسی نوین می‌توان تقسیم نمود. در این میان دیپلماسی عاطفی یا احساسی (Emotional Diplomacy) یکی از انواع سنتنی دیپلماسی است که در سال‌های اخیر بدان توجه مضانف و علمی شده است. اساس دیپلماسی عاطفی یا احساسی چنان که از عنوان آن نیز برمی‌آید، کاربست عناصر و مؤلفه‌های دارای بار دراماتیک و عاطفی در صحنه سیاست خارجی به‌ویژه روابط و مناسبات دیپلماتیک است. در گذشته حتی در میان قبایل نیز روابط استوار بر عاطفه و احساس دارای مرجعیت بوده است. بسیاری از پیوندها و ازدواج‌ها بر این اساس استوار می‌شدند.

دیپلماسی عاطفی در همه لحظاتی از رخ می‌نماید که موضوعی از جنس عاطفه و احساس به عنوان پیشران دیپلماسی و سیاست و روابط خارجی عاملیت پیدا می‌کند. ناخودآگاه جمعی، حافظه جمعی، ذهنیت جمعی و هویت جمعی در صحنه شطرنج دیپلماسی عاطفی بازیگری می‌کنند. دیپلماسی عاطفی به معنای کاربست عناصر و پیشران‌های احساسی و عاطفی در راستای تأمین «منافع ملی» است. دیپلماسی عاطفی در حدفاصل قدرت نرم و قدرت سخت‌افزاری قرار دارد.

در دنیای کنونی به‌ویژه از رهگذر ظهور و بروز رسانه‌های گروهی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دیپلماسی عاطفی یا احساسی وزن و اهمیت فراوان تری یافته است. این امر دیگر به روابط فردی و روردر خلاصه نمی‌شود و از لب‌خند زدن، نحوه بر خورد اول و مراسم استقبال، بیانیه‌ها و پیام‌های تبریک و تسلیت، روابط خانوادگی، اعطای نشان‌ها و جوایز، ژست‌ها، رویدادها، نمادها و سمبلیسم و نمادگرایی و... تا پیچیده‌ترین حوزه‌ها گسترده‌دامن است. اساس این نوع از دیپلماسی برانگیختن احساسات و عواطف نخبگان و توده‌ها در راستای منافع خود است. صرف تحریک و برانگیختن احساسات و عواطف مدنظر نبوده و هنگامی می‌توان از سودمندی و کارآمدی این نوع از دیپلماسی سخن گفت که منجر به نتیجه و برآیندهای عینی و انضمامی بشود.

▼ دوآلیسم دیپلماسی عاطفی اسرائیل

تاریخ اسرائیل تاریخ شگفتی‌ها و تناقضات است. دولت یهودی اسرائیل یک موجودیت و برساخت استعماری است. این موجودیت در سایه فضای آشفته دو جنگ جهانی با پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم استعمار و بر خسی دولت‌ها و قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان تشکیل شد. اسرائیل نه یک موجودیت طبیعی و ارگانیک، که یک واقعیت مکانیکی و ساختگی است. ناهمسازی و عدم هارمونی این موجودیت را می‌توان از منازعه و تنش پایان‌ناپذیر آن با جهان اطراف‌اش و شاید با بخش جدی از ملت‌ها و دولت‌های جهان درک کرد. بر این اساس، سران اسرائیل از همان آغاز به دنبال تغییر معادلات قدرت در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی بوده‌اند.

دیپلماسی عاطفی و احساسی اسرائیل در بستر یک دوآلیسم عاطفی معنا می‌یابد: مظلومیت و قدرت. این دوگانه دارای بار دراماتیک فراوانی براساس متغیرها و مؤلفه‌های هويت-قدرت‌بنیاد است. تغییر معادلات قدرت با بهره‌گیری از دیپلماسی توسط اسرائیل در پیوستاری سه‌گانه معنا می‌یابد: نخست، اسرائیل مظلوم به مثابه میراث‌دار هولوکاست و یهودی‌ستیزی؛ دوم، اسرائیل به مثابه توالی و نماینده فرهنگ و دموکراسی غرب؛ و سوم، اسرائیل به مثابه یک قدرت برتر منطقه‌ای.

▼ رنج قدسی و دولت یهود

مفهوم کانونی دیپلماسی عاطفی اسرائیل رانج قدسی یا مقدس صورت‌بندی می‌کند. در این معنا، پیروان این قوم و مذهب بر آن هستند که میراث‌داران یک تمدن بزرگ و برتر هستند که خواسته یا ناخواسته درگیر یک آوارگی و



نگاه کارشناس

سرگردانی تاریخی شده بودند و «دولت یهود» آمد تا بدین وضعیت نابسامان پایان بدهد.

هولوکاست چیزی جز تحمل رنج قدسی در بالاترین سطح خود نبوده است. بنی اسرائیل و یهودیان در اعصار و سالیان دراز ابژه ستم، بی‌عدالتی و رنج مقدس افسارگسیخته بودند تا دولت اسرائیل تشکیل شد. دولت اسرائیل مدعی است که بزرگ‌ترین چتر حمایتی را برای یهودیان آواره و دیاسپورای یهودی ساخته است.

▼ چرخشی نوالهیاتی و بدعتی موعودگرایانه

ادعای اندیشه صهیونیسم مبنی بر برساخت دولت یهود به عنوان دواى دردهای یهودیان تا حد فراوانی بر خلاف جریان غالب یهودی بود که جواز بازگشت به ارض موعود را پیش از ظهور ماشیح نمی‌داد. از دید عموم یهودیان به‌ویژه یهودیان مذهبی، بازگشت به ارض موعود و سرزمین مادری یهودیان تنها در سایه ظهور و آمدن ماشیح ممکن و مشروع است. با این حال، آبا صهیونیسم به عنوان یهودیان سکولار در چرخشی نوالهیاتی و بدعتی موعودگرایانه این سنتت انتظار انفعالی را با سنتت انتظار فعال جایگزین نمودند. این امر بدعتی بنیادین با درونمایه نوالهیاتی، موعودگرایانه و مسیانیستیک به شمار می‌آمد.

این رویکرد در عرصه دیپلماسی عاطفی اسرائیل نیز به خوبی خود را نشان داده است. کوچک‌ترین واکنش و حمله و یا حتی انتقاد به دولت اسرائیل به سرعت با یهودی‌ستیزی عنوان می‌شود. مرزهای خود و دیگری در سیاست خارجی و دیپلماسی عاطفی، عمومی و رسانه‌ای اسرائیل در یک دوگانه حساس در زنجیره‌ای دراماتیک-پراگماتیک مفصل‌بندی شده است.

▼ جواز خشونت در محیط آنارشیک نظام بین‌المللی

موازنه وحشت و موازنه تهدید دو رکن اساسی دیپلماسی عاطفی اسرائیل است. احساسات و عواطف جامعه بین‌الملل باید در راستای محق دانستن اسرائیل برای کاربست خشونت تحریک بشود. در پروپاگاندای رسانه‌ای پشتیبان دیپلماسی عاطفی اسرائیل (دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای) باید به صورت روزانه و پیاپی نخبگان و توده‌های مردم در جهان با این موضوع روبه‌رو بشوند که مردم اسرائیل تحت ستم و خشونت هستند و این حق را دارند که از خود دفاع کنند. میلیتاریسم در همه ابعاد و شاخه‌های آن به منزله راهبردی گریزناپذیر در دستگاه دیپلماسی عاطفی اسرائیل تئوریزه و توجیه می‌شود. خشونت اگر از سمت اسرائیل باشد دفاع مشروع و اگر از سوی دگرهای آن به‌ویژه فلسطین، اعراب، محور مقاومت و به‌ویژه ایران باشد تروریسم و افراطی‌گری است. سران اسرائیل همواره در صدد القای این انگاره هستند که محیط نظام بین‌الملل آنارشیک و فاقد قدرت مرکزی است و اسرائیل از این‌حق بر خوردار است که از کیان و موجودیت خود در برابر دیگران دفاع کند. تصویرسازی از اسرائیل به‌عنوان یک قربانی به همین دلیل صورت می‌پذیرد. تعاملات دیپلماتیک فراوانی برای بازشناسی ما و آن‌ها در راستای صدور جواز خشونت و نسل‌کشی و پاک‌سازی مردمی هر روزه علیه مردم فلسطین و تروریسم دولتی علیه دیگر بازیگران منتقد منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار دیپلماسی عاطفی اسرائیل قرار دارد.

نسل‌کشی آشکار مردم فلسطین، غزه، رنج و... به واسطه همین سبک کاربست دیپلماسی احساسی و عاطفی توسط زعمای اسرائیل توجیه می‌شود. بر این اساس، تصور اینکه حتی سر سوزنی از خشونت و تروریسم دولتی اسرائیل کم بشود خطای راهبردی است. سناریوهای آینده اسرائیل خشونت و خشونت و خشونت است و هیچ اراده و نیروی بازدارنده‌ای از سوی شرکای غربی و منطقه‌ای این موجودیت در برابر آن وجود ندارد.

توضیح:

ژانوس، در اساطیر رومی، خدای دروازه‌ها، درب‌ها، گذرگاه‌ها و مسیرهای ورودی، و همین‌طور خدای آغازها و پایان‌ها بود. ژانوس اغلب با دو چهره یا دو سر به تصویر کشیده می‌شود که از این دو سر، یکی به روبه‌رو و دیگری در جهت مخالف آن، یعنی به پشت سر نگاه می‌کند. اعتقاد بر این است که این دو سر به آینده و گذشته می‌نگرند.



لاریجانی اما شاید پیش‌ب که به صداوسیما می‌رفت، به گذشته خود می‌اندیشید. روزهایی که رسانه تحت مدیریت او، در اوج قدرت و فارغ از هر نظارت و به قول خاتمی، با مصوبیتی از جنس آهن بر مخالفان می‌تاخت و هر اتهام و دروغی را بر آنان روا می‌داشت. شاید او، حال که از گردونه اصلی قدرت حذف شده‌است و دوبار حکم عدم‌صلاحت ریاست جمهوری بر او رفته‌است؛ کمی می‌تواند حال بی‌صدایان و محذوفان را درک کند. آن‌هم نه فلان روشنفکر یا فعال سیاسی، اپوزیسیون که در سیمای لاریجانی برای آنان «هویت» یافتند و یا در کنفرانس برلین، برهنه‌ای را درفش ساختند. او دست‌کم حال رؤسای جمهوری و مجلس اصلاحات و وزرای کابینه خاتمی و نمایندگان مجلس‌ششم را باید درک کند که از منظر حقوقی، عالی‌ترین مقام‌های کشور بودند؛ اما حتی در دوران مسئولیت و حضور در قدرت در سیمایی که او مدیریت‌اش ساخته بودند، بی‌صدا و محذوف بودند و اگر صدایی هم از آنان می‌آمد، همراه با تقطیع و تخریب بود. چنین است که «لاریجانی دوم» رخ می‌نماید: در سیمایی که حضور شخصیتی چون خود او نیز در آن، حکم کیمیا دارد. اما این سیمای امروز، تداوم مسیر همان سیمای لاریجانی است. در این «سیمای لاریجانی ۲»، لاریجانی نیز در فهرست محذوفان وی صدایان و مهمانان استثنایی شب‌های بحران قرار می‌گیرد...

دیپلمات‌ها



رایزنی‌های عراقچی در سوریه

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که برای رایزنی با دولت سوریه در مورد روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای به دمشق سفر کرده است، با بشار اسد، رئیس‌جمهور، محمدغازی الجحالی، نخست‌وزیر و یسام‌الصیغ، وزیر امور خار جه جمهوری عربی سوریه دیدار و گفت‌وگو کرد. بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در دیدار خود با عراقچی تأکید کرد: «مقاومت در برابر هرگونه اشغال، تجاوز و کشتار جمعی یک حق مشروع است و مقاومت با توجه به استقبال مردم از آن و اعتقاد به آن قدرتمند است.» اسد همچنین افزود: «پاسخ ایران به تجاوزات و حملات مکرر اسرائیل علیه‌ملت‌های منطقه و حاکمیت کشورهايشان، پاسخی محکم بود و درسی به این رژیم داد که محور مقاومت قادر به تحمیل بازدارندگی به دشمن است و می‌تواند نقشه‌هایش را خنثی کند و به لطف اراده و همبستگی حامیانش قوی و استوار باقی خواهد ماند.» او همچنین تأکید کرد: «تنها راه‌حل موجود برای اسرائیل توقف کشتار و ریختن خون مردم بیگناه و بازگرداندن حقوق مشروع به صاحبان آن‌هاست.» عراقچی نیز در این دیدار با تأکید بر اعتماد به قدرت مقاومت در لبنان و فلسطین برای ایستادگی در برابر ماشین تخریب و کشتار اسرائیل، بر لزوم هماهنگی با همه کشورهای حامی برای توقف این تجاوز تأکید کرد. عراقچی همچنین در دیدار با همتای سوری خود با انتقاد شدید از بی‌عملی شورای امنیت در قبال اعمال غیرقانونی و جنایات رژیم صهیونیستی به دلیل حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا و انگلستان از این رژیم و کارشکنی آنها در برابر هرگونه تصمیم‌گیری معنادار این نهاد، بیانیه مشترک اخیر ۱۰ کشور غیر عضو شورا و مطالبه توقف فوری تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی را مهم دانست و خواستار تشدید تحرکات دیپلماتیک و سیاسی کشورهای اسلامی و عربی منطقه جهت وادارکردن حامیان رژیم به توقف جنایات رژیم اسرائیل شد. سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه در بدو ورود به سوریه در جمع خبرنگاران اظهارداشت: هدف من از سفر به دمشق ادامه رایزنی‌ها نسبت به تحولات منطقه است، در بیروت رایزنی‌های بسیار مهمی را با مقامات دولتی لبنان داشتیم. وی گفت: جهت مشورت‌ها و رایزنی‌های بیشتر ادامه گفت‌وگوها را در دمشق با مقامات دولت سوریه خواهیم داشت. ما همواره نسبت به تحولات منطقه در رایزنی نزدیک با دوستان خود در دولت سوریه بودیم. مهمترین بحث روز، بحث آتش بس در لبنان به ویژه در غزه است. عراقچی افزود: ابتکارانی در این زمینه وجود دارد رایزنی‌هایی صورت گرفته که امیدواریم به نتیجه برسد ولی متأسفانه دشمنی‌ها و جنایات رژیم صهیونیستی همچنان ادامه دارد، همانطور که از ابتدا هم معتقد بودیم، رژیم صهیونیست جز زبان زور، جنگ و جنایت زبان دیگری را بلد نیستند و به جنایات خودش هر روز در بیروت جنوب لبنان و غزه ادامه می‌دهد و این احتیاج به یک تلاش جمعی در جامعه جهانی برای توقف جنایت‌ها دارد.



اسرائیل تضمینی نداده‌است

سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی که نامش فاش نشده است، گزارش داد که وضعیت خاورمیانه در لبه پرتگاه قرار دارد. به گزارش ایلنا به نقل از الخلیج آنلاین، سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی که نامش فاش نشده است، گزارش داد که وضعیت خاورمیانه در حال حاضر «به‌رغم موفقیت واشنگتن در جلوگیری از تبدیل درگیری به یک جنگ گسترده‌تر» در لبه پرتگاه قرار دارد. این مقام آمریکایی ابراز امیدواری کرد که وضعیت تغییر کند، اما در عین حال مدعی شد که «هیچ تضمینی وجود ندارد که اسرائیل تاسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار ندهد.» این مقام آمریکایی مدعی شد: «اگر پاسخی از سوی اسرائیل در کار باشد، انتظار دارم قبل یا بعد از هفتم اکتبر باشد.» سی‌ان‌ان همچنین به نقل از یک مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا - که هویتش فاش نشد - گزارش داد که «اسرائیل تضمینی ارائه نکرده است که هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای ایران در میان گزینه‌هایش در پاسخ احتمالی به تهران نیست.»